

کتابخانه ملی ایران: از آغاز تا امروز

• میترا صمیعی^۱

عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی و دانشجوی دکتری
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

کتابخانه ملی جایگاه ویژه‌ای در حفظ و نگهداری میراث فرهنگی و اندیشه هر ملت دارد. تاریخ گذشته ایران با دو رویداد تاریخی یعنی چاپ اولین کتاب فارسی در ایران و تأسیس مدرسه دارالفنون و کتابخانه آن، پیوند دارد و سابقه تشکیل مجموعه کتابخانه ملی ایران به سال ۱۲۸۰ ق. تأسیس کتابخانه دارالفنون بر می‌گردد. پس از این تاریخ کتابخانه ملی ایران با تحولات تاریخی بسیاری از جمله: ساخت و افتتاح ساختمان کتابخانه ملی در ۱۳۱۶ در دوره ریاست مهدی بیانی؛ تهیه مجموعه‌های کتابخانه از طریق خرید و اهدای مجموعه‌های شخصی؛ ادغام با مرکز خدمات کتابداری، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سازمان اسناد ملی ایران؛ و تغییر نام کتابخانه به سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در دی‌ماه ۱۳۸۱؛ تغییر ساختار و تشکیلات؛ و تحولات دیگر روبه‌رو بود. در این مقاله سعی شده است، سیر تاریخی کتابخانه ملی از ابتدا تا به امروز به طور خلاصه بررسی و معرفی شود.

کلید واژه‌ها: کتابخانه ملی، تاریخچه، مجموعه‌ها، تشکیلات سازمانی، ساختمان، فعالیت‌های پژوهشی

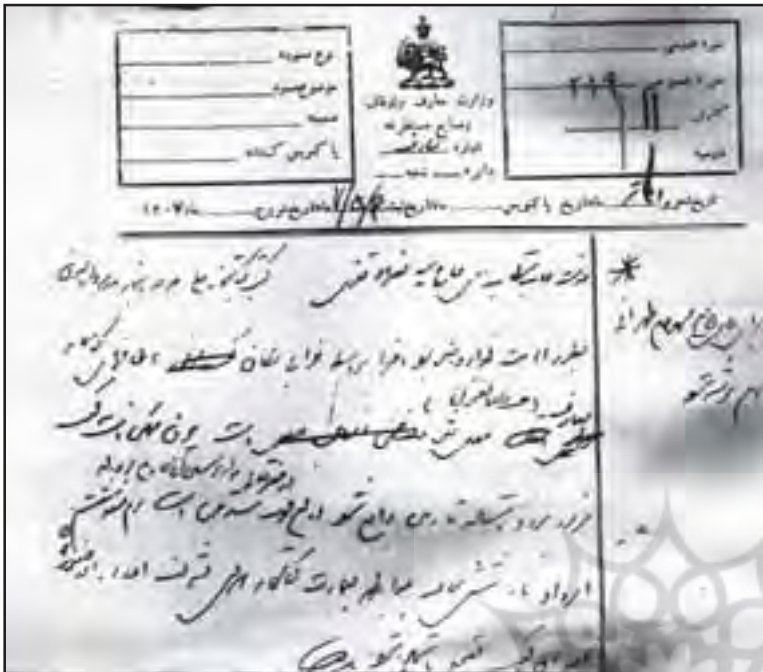
اشاره

سرزمین ایران یکی از کهن‌ترین کانون‌های تمدن بشری است. کتاب و کتابخانه معرف دانش، اندیشه و تمدن ملت‌هاست و ایران از جمله کشورهایی است که در ایجاد و صیانت کتابخانه و کتاب از پیشروترین ملت‌ها بوده است. در هر کشوری کتابخانه ملی جایگاه ویژه‌ای در حفظ و نگهداری میراث فرهنگی و اندیشه هر ملت دارد. در ایران هم تأسیس کتابخانه ملی که یکی از جنبه‌های مدرنیسم بوده، به عنوان حافظ میراث مکتوب کشور جایگاه ویژه‌ای دارد. کتابخانه ملی ایران که از دی‌ماه ۱۳۸۱ به «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» تغییر نام یافت در بزرگراه حقانی تهران بر روی تپه‌ای سرسبز قرار دارد. در این مقاله سعی

دارم سیر تاریخی و فعالیت‌های کتابخانه را از ابتدای تأسیس تا به امروز به‌طور خلاصه بیان کنم.

تاریخچه

در زمان ناصرالدین‌شاه قاجار و صدارت میرزاتقی‌خان امیرکبیر توجه خاصی به معارف در ایران می‌شد. لذا در ۱۲۶۶ ق. مدرسه دارالفنون در تهران تأسیس شد و ۱۲ سال بعد ۱۲۸۰ ق. / ۱۲۴۳ ش. کتابخانه کوچکی در آن مدرسه تأسیس شد (سالنامه احصائیه وزارت معارف، ۱۳۱۲، ص ۵ - و). در عهد مظفرالدین‌شاه آشنایی ایرانیان با تمدن غرب بیشتر شد و نخستین مدارس به سبک جدید از جمله مدرسه رشدیه و نیز انجمن معارف در ۱۳۱۵ ق. / ۱۳۷۶ ش. تأسیس شد (قاسمی



**در زمان وزارت
علاءالملک، کتابخانه ملی
به مدرسه دارالفنون
منتقل و با کتابخانه آن
مدرسه ادغام شد**

پویا، ۱۳۷۷، ص ۲۶۷). اعضای انجمن معارف در زمان صدارت امین السلطان پس از تدوین نظامنامه داخلی در ۱۷ فصل برای انجمن، به تأسیس کتابخانه ملی مبادرت نمودند (سواد دستخط همایون، ۱۳۱۶ق، ص ۲؛ قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۲۷۲). احتشام السلطنه در خاطرات خود می‌نویسد:

«ابتدا خانه ملک و متعلق به خود را برای انجمن معارف و کتابخانه ملی معارف تخصیص دادم و قریب ۱۰۰۰ جلد کتاب که $\frac{۳}{۴}$ آن خطی بود را به کتابخانه ملی واگذار کردم...» (موسوی، ۱۳۶۷، ص ۳۳۵). همچنین در روزنامه اطلاع آمده که: «انجمن معارف در زمان مظفرالدین‌شاه، عمارتی مخصوص و شایسته را در تهران اول خیابان علاءالدوله در کوچه مقابل میدان مشق تهیه کردند و در ۱۷ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶ق./۱۲۷۷ش. کتابخانه ملی افتتاح شد و در آن روز اعضای انجمن معارف، هر یک کتاب‌هایی معتبر را وقف کتابخانه کردند». (انجمن معارف، ۱۳۱۶ق، ص ۳). ریاست آن به میرزا اسمعیل خان آجودانباشی از اعضای انجمن معارف داده شد (انجمن معارف، ۱۳۱۶ق. ص ۳؛ کتابخانه ملی، ۱۳۳۲ق. ص ۴؛ کتابخانه...، ۱۳۳۰ق، ص ۳). اختلافات داخلی بین اعضای انجمن معارف باعث شد حیات کتابخانه ملی در شعبان ۱۳۱۶ق./۱۲۷۷ش. به پایان برسد.

در ۱۳۲۲ق./۱۲۸۲ش. برای بار دوم حاج سید نصرالله تقوی به اتفاق میرزا محمدعلی‌خان نصره السلطان و ملک‌المکلمین، اقدام به تأسیس کتابخانه ملی نمودند (مرسلوند، ۱۳۶۹، ص ۲۷۰؛ ملک زاده، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۷۱). آنها یک دستگاه عمارت فوقانی در خیابان ناصری

**واژه ملی که در نام این کتابخانه به کار
رفته به هیچ وجه به معنای «ملیتی»
و «ملی‌گرایانه» نبوده، بلکه بیانگر
آن بود که این کتابخانه هیچ‌گونه
وابستگی به دولت ندارد و مؤسسه‌ای
غیرانتفاعی و مردمی است**

(شمس‌العماره) اول کوچه ارامنه جنب سقاخانه در تهران را اجاره می‌کنند (مرسلوند، ۱۳۶۹، ص ۲۷۰). نصرالله تقوی و عده‌ای از معارف‌پروران کتاب‌هایی را به این کتابخانه اهدا کرده و قسمتی از کتاب‌های کتابخانه دارالفنون نیز به آنجا منتقل می‌شود. نصرالله تقوی از نمایندگان مجلس شورای ملی طبق توافق همگان به ریاست کتابخانه ملی انتخاب شد و سپس نظام‌نامه‌ای مشتمل بر ۲ فصل و ۲۷ بند برای آن تدوین شد و در ۱۳۲۴ق./۱۲۸۴ش. رسماً افتتاح شد. به دلیل سوءظن دولت به جهت فعالیت‌های سیاسی روشنفکران، کتابخانه تعطیل می‌شود، لذا نصرالله تقوی برای تحصیل مکانی مخصوص از دولت برای کتابخانه ملی اقدامات لازم را نمود (اداره کتابخانه ملی، ۱۳۲۵ق، ص ۲).

بنابراین وزارت معارف مقدمات ساخت بنایی را برای کتابخانه ملی فراهم ساخت و نقشه آن مطابق با اصول معماری ایرانی طراحی و تصویب شد. ولی ساخت بنای کتابخانه ملی

**مهدی بیانی ضمن
مکاتبات بسیار جهت
رفع مشکل جا و فضای
مناسب برای کتابخانه
عمومی معارف، فرصت را
غنیمت دانست و تأسیس
«کتابخانه ملی ایران» را
به علی اصغر حکمت، وزیر
معارف وقت پیشنهاد داد**



و اوقاف و صنایع مستظرفه، حکیم‌الملک نام «کتابخانه معارف» را بر این کتابخانه نهادند و در ۱۳۵۳ ق. / ۱۳۱۳ ش. در دوره وزارت علی اصغر حکمت (۱۳۱۲-۱۳۱۷ ش.) به نام «کتابخانه عمومی معارف» خوانده شد. بنابر نظام‌نامه کتابخانه عمومی معارف (مصوب ۹ دی ۱۳۱۳) کتابخانه از دوایر اداره انطباعات، وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بود و حدود ۵۰۰۰ جلد کتاب و به‌طور متوسط ۳۱ نفر مراجعه‌کننده داشت. ریاست آن به عهده جهانگیر شمس‌آوری بود و در سالن‌های شرقی طبقه دوم ساختمان دارالفنون قرار داشت. در نظام‌نامه اداره انطباعات، در بخش دایره کتابخانه ملی، وظایف کتابخانه به این شرح آمده است:

- الف) تنظیم و مواظبت کتب موجود در کتابخانه و تدوین و طبع فهرست‌های لازم برای کتب؛
 - ب) جمع‌آوری کتب منطبعه و جراید و مجلات داخله و خارجه که به کتابخانه می‌رسد؛
 - ج) انتخاب و تعیین کتب خطی و چاپی که همه ساله باید برای تکمیل کتابخانه خریداری شود.
- اینها بیشتر وظایف کلی یک کتابخانه عمومی است. اواخر ۱۳۱۳ ش. هم‌زمان با ریاست مهدی بیانی در کتابخانه عمومی معارف و برگزاری کنگره و جشن هزاره فردوسی در تهران، فکر تهیه محل مناسبی برای کتابخانه عمومی معارف ضروری شد (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۵۷، ص ۵-۶؛ سالنامه احصائیه وزارت معارف، ۱۳۱۲، ص. د - و). مستشرقین بسیاری برای کنگره هزاره فردوسی در تهران به ایران آمدند و کتاب‌هایشان را هدیه کردند. لذا پیشنهاد شد

بنا به دلایلی ناتمام ماند و پس از بمباران مجلس کتابخانه ملی از ترس غارت مردم تعطیل شد و با وجود سعی و تلاش مؤسسين آن برای دایر کردن مجدد آن تعطیل شد. مجموعه منابع آن به ساختمان دارالفنون و سپس به کتابخانه عمومی معارف منتقل شد (کتابخانه ملی، ۱۳۴۰ ق.، ص ۳؛ حکمت، ۱۳۵۵، ص ۵۰-۵۴).

نکته مهم این است همان‌طور که نورالله مرادی در مقاله «کتابخانه ملی ایران «گفته‌اند»: «واژه ملی که در نام این کتابخانه به کار رفته به هیچ وجه به معنای «ملیتی» و «ملی‌گرایانه» نبوده، بلکه بیانگر آن بود که این کتابخانه هیچ‌گونه وابستگی به دولت ندارد و مؤسسه‌های غیرانتفاعی و مردمی است». (مرادی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۹۲).

سال ۱۳۲۴ ق. / ۱۲۸۴ ش. در زمان وزارت علاءالملک، کتابخانه ملی به مدرسه دارالفنون منتقل و با کتابخانه آن مدرسه ادغام شد. در ۱۳۳۸ ق. / ۱۲۹۸ ش. زمان وزارت معارف

کتابخانه ملی
اطلاعات، آشنائیات و دانش‌شناسی

تالاری به نام فردوسی در مدرسه دارالفنون نامگذاری شود و آثار مستشرقین و ایران‌شناسان میهمان و کتاب‌هایی که اهدا کرده بودند، در آنجا گردآوری شود (فانی، ۱۳۸۳، ص ۶۴). مهدی بیانی ضمن مکاتبات بسیار جهت رفع مشکل جا و فضای مناسب برای کتابخانه عمومی معارف، فرصت را غنیمت دانست و تأسیس «کتابخانه ملی ایران» را به علی اصغر حکمت، وزیر معارف وقت پیشنهاد داد. در ۱۳۱۵ علی اصغر حکمت از رضاشاه اجازه خواست تا قسمتی از اراضی باغ ملی (مایین ساختمان وزارت امور خارجه و موزه ایران باستان) برای ساختمان کتابخانه ملی اختصاص یابد (وزارت معارف و اوقاف ...، ۱۳۱۶).

مجموعه‌های کتابخانه

مجموعه منابع کتابخانه ملی ایران نیز مانند اغلب کتابخانه‌های ملی جهان از ادغام و ترکیب مجموعه منابع مختلف به وجود آمده است. این ترکیب به شیوه‌های گوناگون از قبیل اهداء، انتقال و خرید صورت گرفته است. اهداء یا به صورت تک‌جلدی از طرف خود مؤلف کتاب بوده و یا به صورت چندصد یا چندهزار جلدی از طرف یک شخص یا یک مؤسسه و سازمان بوده است. خرید معمولاً برحسب ضرورت و نیاز کتابخانه با بودجه‌ای که در اختیار کتابخانه بوده، انجام گرفته است و یا به خاطر اعلان فروش یک کتابخانه شخصی که از لحاظ ملی و فرهنگی منحصر به فرد بوده و بیم آن می‌رفته که این مجموعه از بین رود، خریداری شده است. شیوه دیگر، انتقال مجموعه منابع کتابخانه‌های مختلف نظیر کتابخانه‌های دولت علیه ایران، دارالفنون، عمومی معارف، ملی طهران، کاخ گلستان و غیره به کتابخانه ملی بوده است.

در خرداد ۱۳۱۶ رضاشاه دستور داد کتاب‌های تکراری چاپی و خطی کتابخانه سلطنتی به کتابخانه عمومی معارف تحویل داده شود. برای انجام این کار کمیسیونی مرکب از نمایندگان دربار شاهنشاهی، بیوتات سلطنتی، نخست‌وزیری، وزارت فرهنگ و وزارت دارائی در کتابخانه سلطنتی تشکیل

فتتاح کتابخانه ملی را در اسناد و مدارکی به سال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ نسبت می‌دهند. با وجود افتتاح در ۱۳۱۶، ساختمان کتابخانه به طور کامل ساخته و آماده نشده بود و بعضی از قسمت‌های آن در سال‌های بعد کامل شد. در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۱۸/۳/۱۸ ش. خبر «افتتاح کتابخانه ملی» این چنین درج شده است: «عمارت جدید کتابخانه ملی که در شمال عمارت موزه ایران باستان در خیابان رافائیل احداث شده



آبان ۱۳۱۲ علی اصغر حکمت پیشنهاد ساخت موزه تاریخی و کتابخانه ملی را در محوطه میدان مشق ارائه کرد و آندره گدار را مأمور طراحی و معماری ساختمان نمود. آندره گدار نقشه‌ای جامع برای موزه و کتابخانه ملی طراحی نمود ولی مورد تأیید رضاشاه قرار نگرفت

کتابخانه ملی
اطلاعات ارتباطی دانش‌شناسی

و شروع به بازرسی تمام کتاب‌ها کردند. سپس در ۱۳ خرداد ۱۳۱۶ به تدریج نقل و انتقال و تحویل کتاب‌ها از کتابخانه مزبور توسط مهدی بیانی و ابراهیم صفا به کتابخانه ملی آغاز شد. تعداد ۱۴ هزار کتاب چاپی و خطی به کتابخانه ملی منتقل شد (بیانی، ۱۳۱۶).

همچنین کتابخانه خصوصی عزیزخان ندائی (عزیزخان خواجه) که اموال خود را وقف کرده و پادشاه وقت را متولی قرار داده بود، به کتابخانه معارف منتقل شد. مجموعه دیگری که در زمان افتتاح به کتابخانه ملی منتقل شد، حدود ۵۰۰۰ جلد کتاب در موزه ایران‌شناسی به زبان‌های روسی، فرانسوی و آلمانی متعلق به کتابخانه بانک استقراضی روسیه بود (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۵۷، ص ۳۰-۳۴). در سال ۱۳۱۹ش. دولت آلمان مجموعه کتابی حدود ۷۵۰۰ نسخه عموماً در رشته‌های علوم اجتماعی و علوم به زبان آلمانی به همراه فهرست دقیقی از آنها به این کتابخانه اهدا کرد.

سال ۱۳۱۹ مجموعه کتابخانه دانشسرای عالی که به زبان فرانسه بود به کتابخانه ملی منتقل شد. تعدادی از این کتاب‌ها، کتاب‌های جغرافیایی است که از طرف شاهزاده یوسف کمال مصری اهدا شده بود.

از مجموعه کتاب‌های چاپی فارسی و عربی کتابخانه ملی ایران حدود ۶ هزار جلد آن اهدا از مؤسسات و افراد خیر است. برخی از این افراد خیر که مجموعه‌های خود را به کتابخانه اهدا کردند عبارتند از: مرحوم ندمائی حدود ۷۲۴ جلد کتاب چاپی و خطی به زبان‌های انگلیسی و آلمانی؛ دکتر حسین قلی قزل‌ایاغ؛ بوالحسن میرسپاسی؛ پروفیسور کریستن سن؛ موسیو آندره گدار و غیره. همچنین مؤسسات و انجمن‌هایی نظیر یونسکو، مؤسسه انتشارات فرانکلین، انجمن دوستداران مهربابا و مراکز فرهنگی در ایران و خارج و ... تعداد زیادی کتاب به کتابخانه ملی اهدا کردند. مجموعه‌های ارزشمند بسیاری را کتابخانه ملی اقدام به خرید آنها کرده است که از آن جمله می‌توان به کتابخانه شخصی مرحوم حاج محتشم السلطنه اسفندیاری؛ کتابخانه میرزا محمودخان بدر؛ کتابخانه مرآت‌الممالک اشاره نمود (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۵۷، ص ۶۱-۶۵).

در نتیجه هسته اولیه کتابخانه ملی براساس این مجموعه‌ها گذاشته شد. بررسی تاریخچه کتابخانه‌های بزرگ جهان نیز نشان می‌دهد که مجموعه آنها نیز چنین وضعی داشته است؛ مثلاً هسته اولیه کتابخانه کنگره آمریکا با کتابخانه کوچک تامس جفرسون و کتابخانه ملی فرانسه

با مجموعه شارل نهم و مازارن، صدراعظم فرانسه، گذاشته شده است.

بعد از تصویب قانون واسپاری که در ابتدا با عنوان قانون مطبوعات بوده است (ماده ۵ قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ق. فصل دوم مطبع کتاب)، کلیه مؤلفان و ناشران موظف شدند از هر اثر که به طبع می‌رسید، دو نسخه را برای ضبط در کتابخانه ملی و تکمیل مجموعه به کتابخانه ملی ارسال دارند (مرادی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۹۴). بدین ترتیب مجموعه منابع کتابخانه ملی تأمین می‌شد.

درحال حاضر مجموعه منابع کتابخانه ملی اعم از چاپی، خطی، غیر کتابی و غیره از طریق قانون واسپاری، خرید، اهدا و مبادله تأمین می‌شود.

ساختمان کتابخانه ملی

آبان ۱۳۱۲ علی اصغر حکمت پیشنهاد ساخت موزه تاریخی و کتابخانه ملی را در محوطه میدان مشق ارائه کرد و آندره گدار را مأمور طراحی و معماری ساختمان نمود. آندره گدار نقشه‌ای جامع برای موزه و کتابخانه ملی طراحی نمود ولی مورد تأیید رضاشاه قرار نگرفت (حکمت، ۱۳۵۵، ص ۵۶). بنابراین بعد از تقسیمات زمین‌های پارک‌شهر در گوشه شمال غربی در امتداد خیابان قوام‌السلطنه (سی‌تیر کنونی) و جنب وزارت امور خارجه یک قطعه زمین به ساختمان کتابخانه ملی اختصاص یافت.

سال ۱۳۱۵ به علی اصغر حکمت اطلاع دادند که این قطعه زمین به شهرداری برای اصطبل اسبان اختصاص یافته است. نگران شد و تلگرافی به دفتر مخصوص شاه فرستاد و از شاه درخواست کرد که وزارت معارف برای ساخت بنای کتابخانه به آن زمین نیاز دارد و قصد دارد به مناسبت جشن هزاره فردوسی به نام فردوسی نام‌گذاری کند. بلافاصله تلگرافی به حکمت رسید که اراضی را تحویل بگیرد.

وزارت معارف از این خبر خرسند شد و امر مبارک را فوراً اجرا کرد و موسیو آندره گدار را مأمور کرد که نقشه خاصی متناسب با اسلوب عمارت موزه طراحی کند. نقشه ساختمان در مدت کوتاهی آماده و ساخت آن طبق نقشه آغاز شد و در سال ۱۳۱۶ به پایان رسید.

ساختمان کتابخانه در فضای حدود ۴۰۰۰ مترمربع با ۵۰۰ مترمربع زیربنا در ۲ طبقه ساخته شد. طبقه اول شامل دفتر مدیریت، بخش روزنامه‌ها و مجلات، تالار نمایش نسخه‌های نفیس، تالار فردوسی و طبقه دوم شامل تالار مطالعه، گنجینه

کتاب‌های خطی و گنجینه کتاب‌های چاپی بود (پوراحمد جکتاجی، ۱۳۵۷، ص ۳۰-۳۶-۶۶).

چند سال پس از افتتاح به دلیل توجه و استقبال مردم و افزایش روزافزون کتاب‌ها و مطبوعات، اولیای کتابخانه درصدد توسعه ساختمان برآمدند. بنابراین مهدی بیانی، ریاست وقت کتابخانه، مکاتبات زیادی با وزارت معارف جهت توسعه ساختمان نمود. تا اینکه در ۱۳۳۰ با مساعدت محمد مصدق یک بنای ضمیمه یو^۳ شکل، حدود ۵۷۰ مترمربع زیربنا، در ضلع شرقی کتابخانه مماس با دیوار وزارت امور خارجه بنا شد و در ۱۳۴۰ آماده و تحویل گردید (سادات صوتی، ۱۳۵۲، ص ۴؛ کیانفر، ۱۳۸۵؛ امیرخانی، ۱۳۸۱، ص ۹۹).

این قسمت ضمیمه به مخازن کتاب‌ها و سایر منابع اختصاص داشت و در دو طبقه ساخته شد. لاقلاً برای یک دهه کتابخانه ملی کمتر تحت فشار کمبود جا بود و در سال‌های بعد که مشکل جا و مکان مطرح شد چون بحث احداث کتابخانه ملی پهلوی در دستور کار قرار گرفت، عملاً توسعه ساختمان کتابخانه ملی منتفی شد.

در دی ۱۳۵۱ ضرورت وجود یک کتابخانه ملی بزرگ، مجهز و مدرن در ایران چه از لحاظ گردآوری میراث مکتوب فرهنگی ایران و جهان و چه از نظر فعالیت‌های پژوهشی و کمک به پیشرفت سطح عمومی فرهنگی کشور به عنوان یک کتابخانه مادر، احساس می‌شد (شفا، ۱۳۵۲، ص ۲۷). مسئولیت کار تأسیس کتابخانه ملی پهلوی به شجاع‌الدین شفا، معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی واگذار شد. در ۱۳۵۲ از ایفلا درخواست شد که ایران را در تأسیس کتابخانه ملی جدید یاری دهد.

نمایندگان ایران در کنفرانس ایفلا ۱۳۵۲ طی تماس با رئیس ایفلا، آقای لیبارز^۴ که سرپرستی طرح را به عهده داشت متذکر شدند تأسیس کتابخانه باید با حضور و شرکت کتابداران ایرانی صورت بگیرد. لذا طرح تأسیس کتابخانه ملی پهلوی برای نظرخواهی به مرکز خدمات کتابداری و مرکز مدارک علمی ارسال شد. در ۱۳۵۴ دکتر ناصر شریفی، رئیس دانشکده پرات امریکا، و ۶ تن از متخصصان کتابداری و معماری جهان برای بازدید از معماری ایرانی و اسلامی و نیز کتابخانه‌های ایران و نیز بررسی گزارش‌هایی که کتابداران ایران تهیه کرده بودند به مدت ۱ ماه به ایران آمدند. در این فاصله حدود ۱۵ کتابدار ایرانی با آنها همکاری داشتند. اولین برنامه پیشنهادی تحت مدیریت دکتر ناصر شریفی، کتابخانه‌ای با ۳۵۰ هزار مترمربع زیربنا، به دولت ارائه شد.

این طرح را کمیته فنی ایفلا بلندپروازانه و غیرعملی تشخیص داد. پس از بررسی‌های لازم و تجدیدنظرها، برنامه پیشنهادی دوم زیر نظر ژان پیر کلاول، رئیس کتابخانه دانشگاه لوزان، برابر ۹۴ هزار مترمربع با نام «کتابخانه ملی پهلوی» در مهر ۱۳۵۵ به تصویب هیأت داوران رسید و به مسابقه گذاشته شد (سلطانی، ۱۳۷۹، ذیل "واژه").

۶۰۰ طرح از سراسر جهان ارائه شد. هیأت داوران مرکب از معماران و کتابداران ایرانی و خارجی بودند. اسفند ۱۳۵۶ شرکت آلمانی فن گرکان، مارک و شرکاء^۵ را برنده اعلام کردند (شفا، ۱۳۵۲، ص ۱۷).

علی‌رغم بررسی‌ها و تجدیدنظرهای نهایی طرح کتابخانه ملی پهلوی، این کار به انجام نرسید و با انقلاب اسلامی کار متوقف شد. پس از انقلاب اسلامی طرح ساختمان مدت‌ها به دست فراموشی سپرده شد اما کتابخانه ملی هنوز از کمبود جا و مکان در مضیقه بود. لذا اقداماتی صورت گرفت تا کتابخانه به یکی از ساختمان‌های بزرگ دولتی که در نظام جدید بالاستفاده بود، منتقل شود. لذا سال ۱۳۵۹ کمیته‌ای ۷ نفره مرکب از نمایندگان مرکز خدمات کتابداری، کتابخانه ملی، چند مهندس و نماینده‌ای از قم، از ساختمان‌های موجود در تهران بازدید کردند و بالاخره ساختمانی که برای دفتر فرهنگی فرح پهلوی در نیاوران (شمال فرهنگسرا) ساخته شده بود، مناسب تشخیص داده شد. اواخر ۱۳۵۹ گزارش نهایی کمیته به وزیر فرهنگ و آموزش عالی ارسال و در فروردین ۱۳۶۰ مورد موافقت قرار گرفت. ولی متأسفانه به دلیل تغییر وزیر و دخالت افراد غیرمتخصص انتقال عملی نشد.

متأسفانه در ۱۳۶۲ با ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی، بحران کمبود جا شدت گرفت و سرانجام بخشی از ساختمان نیاوران به کتابخانه ملی تحویل داده شد و به این ترتیب کل بخش خدمات فنی، نسخ خطی و ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی به آنجا منتقل شد. در سال‌های بعد به ناچار ساختمان‌های دیگری نیز به کتابخانه اضافه شد به ترتیبی که کتابخانه ملی در ۵ ساختمان و یک انبار دور از مرکز تهران مستقر شد (سلطانی، ۱۳۷۹، ذیل "واژه"). لازم به ذکر است بعد از ادغام دو سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و اسناد ملی ایران، تعداد ساختمان‌ها به ۱۳ ساختمان رسید که ۷ ساختمان در اختیار کتابخانه ملی بود.

۱۳۶۹ بار دیگر اجرای طرح ساختمان کتابخانه ملی مطرح شد و طرح‌هایی که قبلاً تهیه شده بود در اختیار شرکت

در ۱۳۶۲ با ادغام مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی، بحران کمبود جا شدت گرفت و سرانجام بخشی از ساختمان نیاوران به کتابخانه ملی تحویل داده شد و به این ترتیب کل بخش خدمات فنی، نسخ خطی و ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی به آنجا منتقل شد

از اقدامات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی تهیه و تدوین اصطلاحنامه فرهنگی فارسی بود که نخستین ویرایش آن با نام اختصاری اصفا منتشر شد

مهندسان مشاور پیراز که وزارت مسکن و شهرسازی به کتابخانه ملی معرفی کرده بود، قرار گرفت. طرح اولیه مجدداً مورد بازبینی و انطباق با نیازهای نوین روز قرار گرفت. برنامه این پروژه با تعدیلاتی در ۱۳۷۱ مدون شد. هم‌زمان تلاش زیادی برای تعیین محل مناسب برای احداث این بنای ملی آغاز شد و سرانجام در اراضی عباس‌آباد (ما بین باند شمال به جنوب بزرگراه حقانی و شمال بزرگراه همت) زمینی به وسعت ۶۲ هزار مترمربع در اختیار سازمان مجری قرار گرفت و در ۱۳۷۳ قرار شد زیربنا از ۱۳۰ هزار مترمربع به ۹۰ هزار مترمربع تقلیل یابد و اواخر تابستان ۱۳۷۴، نقشه‌ها و مدارک طرح با زیربنای ۹۰ هزار مترمربع آماده برگزاری مناقصه برای انتخاب سازندگان گردید.

پاییز ۱۳۷۴ شرکت آرمه‌دشت برای اجرای سازه این طرح از میان تعداد زیادی شرکت ساختمانی برگزیده شد و در ۱۳۷۵/۲/۲۹ طی مراسمی با حضور آیت الله هاشمی رفسنجانی (رئیس‌جمهور وقت)، حجت‌السلام خاتمی (ریاست محترم کتابخانه ملی) و دکتر محمد حسن حبیبی (معاون اول رئیس‌جمهور) و جمعی از وزراء و مسئولان کشوری و تنی چند از کارمندان ارشد کتابخانه ملی اجرای ساخت کتابخانه ملی آغاز شد.

فاز اول طرح در اواخر تابستان ۱۳۸۳ به اتمام رسید و پس از تکمیل و استقرار مبلمان و تجهیزات در ۱۱ اسفند ۱۳۸۳، کتابخانه ملی ایران توسط آقای سیدمحمد خاتمی (رئیس‌جمهور وقت) طی مراسمی باشکوه افتتاح شد (بنای اندیشه...، ۱۳۸۳؛ خانه نو، ۱۳۸۳؛ کتابخانه ملی...، ۱۳۸۴، ص ۲۲-۲۴). سپس به ترتیب فازهای بعدی طرح از جمله مرکز تحقیقات ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، کتابخانه کودکان و نوجوانان، کتابخانه نابینایان و کتابخانه عمومی و برخی از مخازن کتاب‌ها در سال ۱۳۸۵ افتتاح شد.

ساختمان جدید کتابخانه به‌گونه‌ای طراحی و ساخته شده که مدیریت، واحدهای پشتیبانی، پارکینگ و ۸ مرکز مهم و تخصصی کتابداری، مخازن نسخه‌های خطی و کتاب‌های نادر، منابع غیر کتابی، منابع چاپی و منابع مرجع را در خود جای دهد و قابلیت آن را داشته باشد که بتواند با تغییراتی که در حوزه فناوری اطلاعات روی می‌دهد، هماهنگ شود. همچنین ساختمان جدید این امکان را فراهم می‌آورد که مراکز تخصصی کتابداری بتوانند با هم در ارتباط مستقیم و تعامل باشند (مرادی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۳۹۵). مجموعه‌های اصلی کتابخانه ملی در ۱۲ مخزن اصلی که در طبقات ۲- و

۳- ساختمان واقع شده‌اند و شامل مساحتی حدود ۴۸ هزار مترمربع است با سیستم بسته نگهداری می‌شوند. علاوه بر مخازن اصلی، مخازن کمکی در کنار تالارهای مرجع وجود دارند که منابع کمکی مرجع و کتاب‌های پرستفاده را در اختیار مراجعان قرار می‌دهند. مجموعه منابع مرجع، اعم از عمومی و تخصصی در تالارهای جداگانه قرار دارند، از این قرار تالار ابن ندیم (مراجع عمومی و متون و مراجع کتابداری و اطلاع‌رسانی)؛ تالار رازی (علوم و فنون)؛ تالار ابن سینا (علوم انسانی). منابع موجود در این تالارها به‌صورت نظام قفسه‌باز در دسترس مراجعه‌کنندگان است. منابع غیر کتابی اعم از اعلامیه، نوار ویدیویی، پوستر، نوار صوتی و ... در تالار کمال‌الملک و مجلات و روزنامه‌ها در تالار خواجه نصیرالدین طوسی و نیز کتاب‌ها و نشریات بریل و کتاب‌های گویا در تالار رودکی به صورت نظام قفسه‌بسته در دسترس مراجعه‌کنندگان قرار می‌گیرند. نسخه‌های خطی و کتاب‌های نفیس و مرقعات در تالار خوارزمی است و به منظور حفظ و نگهداری این میراث فرهنگی کشور از امکانات و تجهیزات ویژه‌ای برخوردار است. با استفاده از تجهیزات مدرن امکان انتقال کتاب از مخازن و بخش‌های امانت امکان‌پذیر است.

فعالیت‌ها و پژوهش‌ها

اقدامات، پژوهش‌ها و فعالیت‌های بسیار مهمی در کتابخانه ملی ایران از ابتدای تأسیس تاکنون انجام شده است؛ ولی عمده پژوهش‌ها و اقدامات از اواخر دهه ۱۳۴۰ با تأسیس مرکز خدمات کتابداری آغاز شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و ادغام این مرکز در کتابخانه ملی به حیات خود در کتابخانه ملی ادامه داد. بسیاری از این اقدامات و پژوهش‌ها به بار نشست و در کتابداری و اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های ایران تأثیرگذار بوده است. از جمله این فعالیت‌ها و اقدامات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تهیه و انتشار فهرست نسخه‌های خطی: فهرست مجموعه نفیس نسخ خطی کتابخانه ملی ابزار مهم کتاب‌شناختی است که قبل از انقلاب اسلامی ۱۰ جلد آن توسط عبدالله انوار انجام گرفته بود و سپس توسط علینقی منزوی و حبیب‌الله عظیمی و همکاران دیگر تا جلد ۲۲ آن منتشر شده است. **تهیه و انتشار کتاب‌شناسی ملی ایران:** ابتدا به صورت چاپی منتشر می‌شد و سپس سالانه بر روی لوح فشرده منتشر می‌گردید و هم اکنون به صورت پیوسته بر روی وب‌سایت موجود است.

(سلطانی، ۱۳۸۳، ص ۷۹).

تهیه و تدوین دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی (ج ۱ و ۲): تدوین آن در کتابخانه ملی به تصویب رسید و جلد اول (آ - ژ) زیر نظر و ویراستاری دکتر عباس حری در ۱۳۸۱ و جلد دوم (س - ی) زیر نظر دکتر فریبرز خسروی و ویراستاری دکتر ابراهیم افشار زنجانی در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسید.

تهیه و تدوین استانداردهای خاص: در حوزه‌های مختلف کتابداری و کتابخانه‌ها استانداردهای کتابخانه‌های دانشگاهی، تخصصی، آموزشگاهی، زندان و تهیه و تدوین شده است.

اجرای طرح فهرست‌نویسی پیش از انتشار: تشکیل ابتدایی و مختصر این طرح در ایران برای کتاب‌های چاپی به سال ۱۳۴۶ در دانشگاه تهران برمی‌گردد. کتابخانه ملی در ۱۳۷۱ این طرح را به طور آزمایشی با برخی از ناشران به اجرا گذاشت و پس از موفقیت نسبی در اسفند ۱۳۷۴ پیشنهاد قانونی شدن آن، طی طرحی از سوی کتابخانه ملی به هیأت دولت ارائه شد. با ابلاغ مصوبه این طرح در تاریخ ۷۵/۱۲/۸ به کتابخانه ملی، مسئولیت اجرایی آن بر عهده این نهاد گذارده شد. اجرای رسمی طرح در مهر ۱۳۷۷ توسط کتابخانه ملی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آغاز شد. اکنون بیش از ۹۰٪ کتاب‌های منتشرشده در کشور همراه با اطلاعات فیبا منتشر می‌شود (مزینانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۵۴).

قانون واسپاری مواد غیر کتابی: این قانون در جلسه ۳۴۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورخ ۱۳۷۸/۲/۲۱ به تصویب رسید و براساس آن کلیه تولیدکنندگان دولتی و غیر دولتی آثار غیر مکتوب موظفند دو نسخه از آثار تولیدی خود را به کتابخانه ملی تحویل داده و شماره ثبت دریافت نمایند (قانون ثبت آثار، ۱۳۸۱).

انتشار کتاب (تألیف - ترجمه) در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی برای ارتقای دانش کتابداران کشور
برگزاری دوره‌های متوالی ضمن خدمت کتابداری جهت ارتقای دانش کتابداران ایران
شرکت فعال در کنفرانس‌های سالانه ایفلا^۵ و ایکا^۶ همکاری با انجمن کتابداران ایران

تأسیس مرکز آموزش عالی کتابداری و تصویب رشته کتابداری در مقاطع کاردانی و کارشناسی در ۱۳۷۱/۲/۳۰ از طرف شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

انتشار نشریات تخصصی «فصلنامه کتاب» و «گنجینه اسناد» همکاری با دانشگاه شهید بهشتی در برگزاری دوره‌های

گسترش رده‌بندی‌های دیویی و کتابخانه کنگره امریکا: در زمینه‌های زبان و ادبیات فارسی، تاریخ، جغرافیا، اسلام که به تدریج از ۱۳۵۰ به بعد چاپ و منتشر شد و غالب آنها به ویرایش‌های سوم و چهارم رسیده است. گسترش فلسفه اسلامی در رده‌بندی کتابخانه کنگره نیز در ۱۳۸۲ و ویراست دوم آن در سال ۱۳۸۶ چاپ و منتشر شد (سلطانی، ۱۳۸۳، ص ۷۷).

فهرست مستند اسامی مشاهیر و نویسندگان (کتاب): این فهرست نه تنها مورد استفاده کتابداران، بلکه ابزار کار مترجمان و محققان کشور است.

تهیه و تدوین سرعنوان‌های موضوعی فارسی (کتاب): این فهرست براساس پشتوانه انتشاراتی از ۱۳۴۹ آغاز شد و در کتابخانه ملی با سرعتی چشمگیر رو به فزونی است.

فهرست مقالات فرهنگی: این طرح سابقه‌ای طولانی دارد و به دهه ۱۳۵۰ برمی‌گردد. در ۱۳۵۵ با عنوان «فهرست مقالات فرهنگی در مطبوعات ایران»، از سوی مرکز اسناد فرهنگی آسیا منتشر می‌شد. مدتی انتشار آن متوقف شد و از ۱۳۶۱ با عنوان «فهرست مقالات انقلاب اسلامی در مطبوعات ایران» منتشر شد. از بهار ۱۳۶۱ فهرست مزبور به «فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران» تغییر نام یافت. در ۱۳۷۸ بعد از ادغام سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی در کتابخانه ملی، تمامی اطلاعات نمایه‌سازی شده در پایگاه اطلاعاتی ذخیره شد و بعد به صورت لوح فشرده نمایه ملی ایران (نما) منتشر شد (داودی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۸۵۲-۱۸۵۳).

تدوین اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی (اصفا): یکی دیگر از اقدامات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی تهیه و تدوین اصطلاح‌نامه فرهنگی فارسی بود که نخستین ویرایش آن با نام اختصاری اصفا منتشر شد. پس از ادغام در کتابخانه ملی ایران، ویرایش دوم این اصطلاح‌نامه را کتابخانه ملی در ۱۳۸۱ منتشر کرد. اصطلاح‌نامه سه زبانه فرهنگی (انگلیسی - فارسی - عربی) نیز که تدوین آن از ۱۳۷۷ آغاز شده بود، در سال ۱۳۸۵ منتشر شد.

تهیه و تدوین مارک ایران: یکی از اقدامات اساسی کتابخانه ملی که در قالب یک کمیته ملی به انجام رساند، مارک ایران بود. کمیته مارک از چند کتابدار و متخصص رایانه از داخل و خارج کتابخانه ملی تشکیل شده بود. جلسات کمیته بیش از دو سال طول کشید و سرانجام ویرایش اول مارک ایران که فقط کتاب‌ها را دربرمی‌گرفت در سال ۸۱ منتشر شد

**کتابخانه ملی در گذشته
چه از نظر تشکیلات و
اساسنامه و چه از نظر
وظایف و نیروی انسانی
به گونه‌ای عمل نکرده
بود که بتوان آن را یک
کتابخانه ملی با معیارها
و استانداردهای کتابداری
به حساب آورد**



۱۳۸۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طرح حافظهٔ رقمی ملی (حرم): طرحی در ابعاد ملی است و قصد دارد آثار و منابع ایرانی و اسلامی و یا مربوط با آنها را در شکل رقمی گردآوری و نگهداری کند و از طریق اینترنت در سطح ملی و بین‌المللی ارائه کند. اجرای این طرح در قالب تشکیل کارگروه‌های مختلف طراحی شده است. این کارگروه‌های تخصصی عبارتند از کارگروه مدیریت پروژه؛ کارگروه محتوا؛ کارگروه نرم‌افزار و سرویس‌های کاربردی و کارگروه زیرساخت. فعالیت‌های این گروه‌ها شامل مدیریت پروژه و سیاست‌گذاری و تدوین دستورالعمل‌های گردآوری، پردازش و اطلاع‌رسانی مجموعه‌های رقمی، تهیه نرم‌افزار مدیریت کتابخانه / آرشیو رقمی و ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری و ارتباطات است. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در قالب یک برنامهٔ ۵ ساله این طرح را اجرا کرده و توسعه خواهد داد.

ساختار و تشکیلات

کتابخانه ملی از نظر تشکیلات اداری از ۱۳۱۲-۱۳۱۶ تحت نظر دایره انطباعات اداره معارف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه فعالیت می‌کرده است. در سند زیر نامه‌ای از وزارت پست، تلگراف و تلفن به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در مورخ ۱۳۱۲/۷/۱۲ در خصوص ارسال بسته‌های کتاب از انگلستان و شامات به کتابخانه ملی است، آورده شده است (نظامنامه اساسی اداره انطباعات... ۱۳۱۲؛ لوح حق، ۱۳۸۴؛ وزارت پست و تلگراف ... ۱۳۱۲).

کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی تهیهٔ نرم‌افزار جامع کتابداری (رسا): هدف از تولید آن اتوماسیون فرایندهای کاری معاونت کتابخانه ملی و ذخیره‌سازی رکوردهای مرتبط با کلیهٔ مواد کتابخانه‌ای براساس استانداردهای جهانی است. این نرم‌افزار، استاندارد مارک ایران (بومی‌شده استاندارد جهانی یونی مارک) را مبنای کار خود قرار داده است (سیستم جامع کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۵).
شابکا (شناسگر استاندارد بین‌المللی کتابخانه‌های ایران): کتابخانه ملی ایران از اردیبهشت ۱۳۸۴ تخصیص شابکا را مطابق با استاندارد ایزو ۱۵۵۱۱ (مصوب ۲۰۰۳/۱۲/۱) برای کتابخانه‌های متقاضی بر عهده دارد.
شمارهٔ استاندارد بین‌المللی پیوندهای ایران (شاپا): لایحهٔ عضویت کتابخانه ملی ایران به‌عنوان مرکز آی.اس.ان.ایران در شبکهٔ مراکز ملی آی.اس.ان.ایران در اردیبهشت ماه

کتابخانه ملی
اطلاعات ارتباطات و دانش‌شناسی

طبق بررسی اسناد موجود در آرشیو معاونت اسناد ملی از ۱۳۱۷ به بعد وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به وزارت فرهنگ تغییر نام داد و از ۱۳۱۷-۱۳۴۳ تحت عنوان اداره کتابخانه ملی زیر نظر وزارت فرهنگ فعالیت می کرد. سال ۱۳۴۳ به موجب قانون تفکیک وزارت فرهنگ، کتابخانه ملی به وزارت فرهنگ و هنر ملحق شد و تا سال ۱۳۵۳ کتابخانه تحت نظر اداره کل کتابخانه‌ها که از واحدهای تابعه وزارت فرهنگ و هنر بود، قرار گرفت. سپس در ۱۳۵۳ کتابخانه ملی به عنوان یک اداره کل مستقل درآمد و تا ۱۳۵۷ زیر نظر وزارت فرهنگ و هنر به فعالیت خود ادامه داد (وزارت فرهنگ، ۱۳۲۹). در سال ۱۳۵۸ به عنوان یکی از ادارات کل وزارت علوم و آموزش عالی درآمد.

در سال ۱۳۶۲ مرکز خدمات کتابداری در کتابخانه ملی ایران ادغام شد. پس از ادغام با توجه به اهمیت و گستره عملکرد این کتابخانه، فکر استقلال آن به عنوان یک سازمان مستقل مطرح شد. پیگیری‌ها و تلاش‌های کتابخانه ملی ایران و ریاست وقت دکتر محمد رجبی، به ثمر نشست و قانون اساسنامه کتابخانه ملی به عنوان سازمان مستقل و زیر نظر مستقیم ریاست جمهوری در جلسه علنی ۶۹/۸/۲۰ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۶۹/۸/۱۶ به تأیید شورای نگهبان رسید (نجفی، ۱۳۷۵، ص ۲۶-۲۷؛ رجبی، ۱۳۸۵)

در ۱۳۷۸/۸/۲۹ سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با کلیه اسناد و مدارک، اموال منقول و غیرمنقول، امکانات و تجهیزات با کتابخانه ملی ایران ادغام شد (هاشم‌پور، ۱۳۸۳، ص ۱۰). در سال ۱۳۸۰ سازمان اسناد ملی ایران در کتابخانه ملی ادغام و نام آن به «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» تغییر یافت. شورای عالی اداری در نودوپنجمین جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۲ به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به منظور سازماندهی مدیریت اسنادی و ایجاد هماهنگی برای نگهداری آثار و اسناد مکتوب (چاپی و خطی) و غیر مکتوب و اوراق، مراسلات، دفاتر و سایر اسناد ملی در دستگاه‌های اجرایی و نظایر آن و همچنین تسهیل در نگهداری و دسترسی به اسناد و صرفه‌جویی در هزینه‌های مربوط و جلوگیری از انجام وظایف تکراری این ادغام را تصویب کرد. در بند ج ماده ۲ این تصویب‌نامه که به امضای معاون رئیس‌جمهور و دبیر شورای عالی اداری (محمد ستاری فر) رسیده، آمده است که «وظایف و مأموریت‌های

تخصصی سازمان اسناد ملی ایران و همچنین کتابخانه ملی در قالب دو معاونت مستقل تحت عنوان «کتابخانه ملی» و «اسناد ملی» با برنامه مستقل در قوانین بودجه سنواری فعالیت خواهند نمود. همچنین در ماده ۳ تصویب‌نامه بر این استقلال مهر تأیید زده شده است: «سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، براساس قانون اساسنامه کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۸/۲ مجلس شورای اسلامی اداره می‌شود و قانون تأسیس سازمان اسناد ملی ایران مصوب ۱۳۴۹/۲/۷ در کلیه موارد به استثنای مواردی که با اساسنامه فوق‌الذکر مغایرت دارد، لازم‌الاجرا می‌باشد». در ماده ۴ تصویب‌نامه، سازمان وظایف مربوط به ساماندهی بایگانی‌های دستگاه‌های اجرایی و تنظیم روش‌های نگهداری و بایگانی از طریق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را برای خود محفوظ نگه می‌دارد و عملاً کار گردآوری، بررسی، امحاء و بالاخره نگهداری اسنادی را که به دلایل ملی ارزش آرشیوی دارند به معاونت اسناد ملی «سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران» واگذار می‌کند.

در ماده ۵ تصویب‌نامه از سازمان جدیدالتأسیس می‌خواهد که «به منظور استانداردسازی و استفاده از اسناد، حداکثر ظرف ۶ ماه استانداردهای مربوط به فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی و زمینه ایجاد شبکه را تدوین و به واحدها و مؤسسات اسنادی کشور ابلاغ نماید» و در ماده ۶ نمونه‌هایی از واحدهای اسنادی کشور نظیر وزارت امور خارجه، ریاست جمهوری، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، مجلس شورای اسلامی و ... را برمی‌شمرد و از آنها می‌خواهد نسبت به فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی و اسکن اسناد و قرار گرفتن در شبکه اسنادی کشور اقدام نمایند؛ در ماده ۷ تصویب‌نامه آمده است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات لازم را تأمین کند تا سازمان اسناد و کتابخانه ملی «امکان فهرست‌نویسی، نمایه‌سازی، اسکن اسناد ملی و شبکه‌سازی آنها» را به‌وجود آورد (اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۸۳؛ مرادی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۹۶).

نمودار تشکیلاتی و اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، براساس مصوبه شورای عالی اداری تهیه و تدوین شد و در دی ماه ۱۳۸۱ به امضای محمد ستاری فر (معاون وقت رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور) و سیدکاظم موسوی بجنوردی (رئیس وقت سازمان اسناد و کتابخانه ملی) رسید. در این اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی، یک مؤسسه آموزشی، پژوهشی

کتابخانه ملی از نظر تشکیلات اداری از ۱۳۱۶-۱۳۱۲ تحت نظر دائرة انطباعات اداره معارف وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه فعالیت می‌کرده است

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نخستین گام برای ساماندهی کتابخانه ملی در ۱۳۵۸ برداشته شد، طرح ادغام مرکز خدمات کتابداری و کتابخانه ملی ایران که هر دو زیر مجموعه وزارت فرهنگ و آموزش عالی بودند، مورد تصویب قرار گرفت

کتابخانه ملی
اطلاعات ارتباطات دانش‌شناسی

و خدماتی معرفی شده است و اهداف و وظایف آن به شرح زیر است:

۱) گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب (چاپی و خطی) و غیر مکتوب در ایران و یا متعلق به ایرانیان خارج از کشور؛

۲) گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب (چاپی و خطی) و غیر مکتوب در زمینه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی خصوصاً انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره)؛

۳) گردآوری، حفاظت، سازماندهی و اشاعه اطلاعات مربوط به آثار مکتوب و غیر مکتوب معتبر علمی، فرهنگی، و فنی از کشورهای دیگر؛

۴) پژوهش و برنامه‌ریزی علمی کتابداری و اطلاع‌رسانی؛

۵) شرکت در تحقیقات و فعالیت‌های بین‌المللی ذیربط؛

۶) اتخاذ تدابیر و اخذ تصمیمات لازم برای صحت، سهولت و سرعت بخشیدن به تحقیق و مطالعه در همه زمینه‌ها به منظور اعتلای فرهنگ ملی و انجام تحقیقات مربوط؛

۷) انجام مشاوره، نظارت، هدایت و ارائه خدمات فنی و برنامه‌ریزی و سازماندهی به کتابخانه‌های کشور؛

۸) ارائه روش‌های مطلوب به منظور هماهنگ کردن خدمات و فعالیت‌های کتابخانه‌های عمومی و تخصصی جهت تسهیل مبادله اطلاعات.

طبق نمودار تشکیلاتی مصوب دی ۱۳۸۱ ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به انتخاب هیئت امنای سازمان انتخاب و با حکم ریاست جمهوری

منصوب می‌گردد (اساسنامه سازمان اسناد ...، ۱۳۸۳).

در مهر ۱۳۸۵ اعضای هیئت امنای سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به موجب بند الف ماده ۷ قانون اساسنامه با اصلاح ساختار سازمانی و تشکیلات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به شرح شماره ۸۵/۴۶۲۱ ص، مورخ ۸۵/۷/۹ موافقت کردند.

این مصوبه مورد تصویب اعضای هیئت امنای سازمان و تأیید رئیس‌جمهور قرار گرفت. از تاریخ تصویب این مصوبه سطح سازمانی ریاست سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران هم‌تراز معاون رئیس‌جمهور تعیین شد.

طی مصوبه مورخ ۸۵/۹/۲۱ هیئت امنای سازمان به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران اجازه داده شد تا پایان سال ۱۳۸۶ نمایندگی‌های خود را در استان بوشهر، خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان، فارس و یزد دایر نماید. در

نمودار تشکیلاتی جدید سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران چهار معاونت کتابخانه ملی، اسناد ملی، پژوهش، برنامه‌ریزی و فناوری و معاونت پشتیبانی، امور حقوقی و استان‌ها و حوزه ریاست با ۵ اداره کل حوزه ریاست، روابط عمومی و امور بین‌الملل؛ حراست؛ هماهنگی یادمان‌های رؤسای جمهوری؛ هیئت رسیدگی به تخلفات اداری و هسته گزینش پیش‌بینی شده است.

در نمودار تشکیلاتی چهار اداره کل زیر نظر معاونت کتابخانه ملی قرار دارند. این اداره‌های کل عبارتند از:

اداره کل فراهم‌آوری و حفاظت که به شناسایی، انتخاب و تهیه منابع اطلاعاتی در کلیه اشکال شامل کتاب، نشریه، نسخ خطی و منابع غیر کتابی و غیره از طریق گروه‌های

مختلف این اداره کل می‌پردازد؛ اداره کل پردازش و سازماندهی که وظیفه فهرست‌نویسی منابع کتابی و غیر کتابی و فهرست‌نویسی پیش از انتشار منابع زیر نظر آن است؛

اداره کل اطلاع‌رسانی در زمینه تولید، گردآوری، جایگزینی و حفاظت، ذخیره و بازیابی اطلاعات و نیز راهنمایی و ارائه خدمات مرجع و مشاوره و اطلاع‌رسانی به مراجعان (به صورت

سیستم دستی و ماشینی)، کتابخانه‌ها و نهادهای فرهنگی و آموزشی و پژوهشی در سطح ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کند؛

اداره کل کتاب‌های خطی و نادر که وظیفه گردآوری، سازماندهی و به‌خصوص حفظ و نگهداری کتاب‌های خطی، چاپ سنگی و نادر با آن است.

دیگر معاونت‌های سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران عبارتند از:

معاونت اسناد ملی که وظیفه نظارت و پیگیری بر جمع‌آوری و حفظ اسناد (نوشته‌ای و غیرنوشته‌ای) در گنجینه اسناد را بر عهده دارد تا شرایط و امکانات مناسبی را برای دسترسی عموم به این اسناد فراهم کند. چهار اداره کل تنظیم و پردازش اسناد؛ اداره کل حفاظت و نگهداری؛ اداره کل

شناسایی و فراهم‌آوری؛ و اداره کل اطلاع‌رسانی و ارتباطات زیر نظر این معاونت قرار دارند. معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و فناوری با چهار اداره کل و یک پژوهشکده اسناد در جهت نیل

به اهداف سازمانی در پژوهش، آموزش، فناوری و برنامه‌ریزی انجام وظیفه می‌نماید. این چهار اداره کل عبارتند از اداره کل برنامه‌ریزی و توسعه؛ اداره کل پژوهش و آموزش؛ اداره کل فناوری و ارتباطات؛ و اداره کل منابع دیجیتال. معاونت

پشتیبانی در کنار سه معاونت دیگر می‌کوشد تا شرایط را به گونه‌ای فراهم سازد که آنها بتوانند وظایف و رسالت‌های خود



کتابخانه ملی در گذشته چه از نظر تشکیلات و اساسنامه و چه از نظر وظایف و نیروی انسانی به گونه‌ای عمل نکرده بود که بتوان آن را یک کتابخانه ملی با معیارها و استانداردهای کتابداری به حساب آورد

را انجام دهند و به اهداف خود دست یابند.

نتیجه‌گیری

کتابخانه ملی در گذشته چه از نظر تشکیلات و اساسنامه و چه از نظر وظایف و نیروی انسانی به گونه‌ای عمل نکرده بود که بتوان آن را یک کتابخانه ملی با معیارها و استانداردهای کتابداری به حساب آورد. اساسنامه و آیین‌نامه‌های آن به گونه‌ای تدوین شده بود که بیشتر پاسخگوی نیازهای یک کتابخانه عمومی بود و در شرح وظایف و آیین‌نامه‌های آن نیز هیچ اثر و ردی از وظایف کتابخانه ملی به چشم نمی‌خورد، بدین معنی که مسئول گردآوری انتشارات کشور و سازماندهی آنها و نشر کتاب‌شناسی ملی نبوده است. در واقع کتابخانه ملی ایران در حد یک کتابخانه عمومی یا قرائت‌خانه انجام وظیفه می‌کرد. به‌خصوص از اوایل ۱۳۴۰ متأسفانه به پوششی برای سازمان اداری ممیزی و سانسور بدل شده بود، بنا بر آیین‌نامه اصلاحی تأسیس چاپخانه (مصوب ۱۳۴۳)، مدیران چاپخانه‌ها مکلف بودند دو نسخه از نشریه مورد چاپ را بعد از چاپ متن و قبل از صحافی با ذکر کامل هویت مؤلف یا مترجم و تعیین تعداد نسخی که از اثر منظور منتشر می‌شود، به کتابخانه ملی تهران ارسال دارند تا حداکثر ظرف مدت ده روز در دفتر مخصوصی که برای این موضوع ترتیب داده می‌شود به ثبت برسد. آیین‌نامه ثبت کتاب نیز در ۱۰ اسفند ۱۳۵۶ در هیئت وزیران به تصویب رسید، کتابخانه ملی ایران، کتاب‌شناسی ملی ایران را از سال ۱۳۴۲ به طور ناقص و نامرتب منتشر می‌کرد و از نظر خدمات فنی و اصول علمی

و جهانی کتابداری به قدری عقب بود که امکان کمک به سایر کتابخانه‌های کشور را نداشت. بیشتر فعالیت سه تا چهار دهه اول عمر کتابخانه ملی صرف انتشار فهرست نسخه‌های خطی آن شد (مرادی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۳۹۴). ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نخستین گام برای ساماندهی کتابخانه ملی در ۱۳۵۸ برداشته شد، طرح ادغام مرکز خدمات کتابداری و کتابخانه ملی ایران که هر دو زیر مجموعه وزارت فرهنگ و آموزش عالی بودند، به وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت ارائه و مورد تصویب قرار گرفت. بعد از ادغام، تمامی اعضای هیئت علمی و متخصصان این مرکز به کتابخانه ملی منتقل شدند. بعد از استقلال کتابخانه ملی ایران در ۱۳۶۹، اساسنامه‌ای مفصل برای کتابخانه ملی تدوین شد. اساسنامه به گونه‌ای تنظیم و تصویب شد که برای نخستین بار کتابخانه ملی در ایران به معنای درست و دقیق آن شکل

در دهه‌های اخیر پژوهش‌ها و اقدامات مهم بسیاری که تأثیرگذار در عرصه کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور بوده است، در کتابخانه ملی انجام گرفت که از آن جمله می‌توان به مارک ایران، نرم‌افزار رسا، گسترش رده‌بندی‌ها و ... اشاره نمود

پی‌نوشت‌ها:

گرفت و وظایفی را به عهده گرفت که در صورت عملی کردن آنها، یک کتابخانه ملی موفق در سطح جهانی خواهد شد. بعد از ادغام دو سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و سازمان اسناد ملی، وظایف کتابخانه ملی توسعه و گسترش یافت و با افتتاح ساختمان مجهز و عظیم آن در ۱۳۸۳ و تغییرات متعدد ساختار و تشکیلات سازمانی وظایف سازمانی هم‌گام با تغییرات نوین فناوری توسعه یافت. در دهه‌های اخیر پژوهش‌ها و اقدامات مهم بسیاری که تأثیرگذار در عرصه کتابداری و اطلاع‌رسانی کشور بوده است، در کتابخانه ملی انجام گرفت که از آن جمله می‌توان به مارک ایران، نرم‌افزار رسا، گسترش رده‌بندی‌ها و ... اشاره نمود. در حال حاضر طرح ملی با عنوان «حافظه رقمی ملی (حرم)» در دستور کار کتابخانه ملی ایران قرار دارد که انشاءالله در آینده‌ای نزدیک شاهد اجرای آن در کتابخانه ملی ایران خواهیم بود.

۱۲. داوودی، فاطمه (پری) و مریم وترشیراز (۱۳۸۵). «نمایه

ملی ایران (نما). دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ج ۲، ص ۱۸۵۲-۱۸۵۴؛

۱۳. رجبی، محمد (۱۳۸۵). سازمان فرهنگی اکو، مصاحبه، تهران، آبان؛

۱۴. سادات صوتی، مرتضی (۱۳۵۲). کتابخانه ملی ایران. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل کتابخانه‌ها؛

۱۵. سلطانی، پوری (۱۳۸۳) «کتابخانه ملی: حال»، در کتاب کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، زیر نظر مهدی تقوی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۱-۸۰؛

۱۶. سلطانی، پوری؛ فروردین راستین (۱۳۷۹). دانشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی. ذیل "کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ساختمان".

۱۷. «سواد دستخط همایون» (۱۳۱۶ق). روزنامه ایران، ش ۹۴۸ (۱۸ رجب): ۲-۳؛

۱۸. سیستم جامع کتابخانه ملی ایران (رسا) (۱۳۸۵). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، [

1. m_samiei66@yahoo.com

2. U

3. Libears

4 Van Gerkan, Mark & Ptns

5. IFLA

6. ICA

7. ISSN

مأخذ:

(۱) «اداره کتابخانه ملی» (۱۳۲۵ق). حکمت ش ۸۸۴ (۱۵ ربیع‌الاول)

(۲) «اساسنامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی» (۱۳۸۳). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، (جزوه)؛

(۳) «افتتاح کتابخانه ملی» (۱۳۱۸). روزنامه اطلاعات. مورخ ۱۸ خرداد؛

(۴) امیرخانی، غلامرضا (۱۳۸۱). «آندره گدار، معمار نخستین

- بروشور]؛
 ۱۹. شفا، شجاع‌الدین (۱۳۵۲). اطلاعاتی درباره کتابخانه بزرگ پهلوی (کتابخانه ملی آینده ایران). تهران: کتابخانه پهلوی؛
 ۲۰. صمیعی، میترا (۱۳۸۷). تاریخچه کتابخانه ملی ایران. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (زیر چاپ)؛
 ۲۱. فانی، کامران (۱۳۸۳). «کتابخانه ملی: گذشته». در کتاب کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، زیر نظر مهدی تقوی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تماشاگران؛ مؤسسه فرهنگی - هنری عصر توسعه دانش، ص. ۶۳-۶۷؛
 ۲۲. قاسمی پویا، اقبال (۱۳۷۷). **مدارس جدید در دوره قاجاریه: بانیان و پیشروان**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی؛
 ۲۳. قانون ثبت آثار (۱۳۸۱). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران [پلی‌کپی]؛
 ۲۴. «کتابخانه ملی (۱۳۳۲ق.)». **حبل‌المتین**. ج ۱۸، ش ۲۱ (محرّم): ۴؛
 ۲۵. «همو» (۱۳۴۰ق.). **روزنامه ایران**، ش ۱۰۱۶ (۱۵ ربیع الاول): ۳؛
 ۲۶. «همو» (۱۳۳۰ق.). **آفتاب**، ش ۱۱۹ (۲۲ ذی‌الحجه): ۴؛
 ۲۷. «همان» (۱۳۳۰ق.)، ش ۳۱ (۱۱ جمادی الاولی): ۲؛
 ۲۸. **کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساختمان جدید)** (۱۳۸۴). تهران: وزارت مسکن و شهرسازی،
 ۲۹. کیانفر، جمشید (۱۳۸۵)، مصاحبه. تهران: نشر میراث مکتوب، ۱۶ شهریور؛
 ۳۰. مجموعه قوانین و مقررات کشور: لوح حق ۱ (۱۳۸۴). تهران: مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها [صفحه فشرده]؛
 ۳۱. مرادی، نورالله (۱۳۸۵). «کتابخانه ملی ایران». **دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی**، ج ۲، ص. ۱۳۹۲-۱۳۹۹؛
 ۳۲. مرسلوند، حسن (۱۳۶۹). **زندگینامه رجال و مشاهیر ایران**، تهران: الهام،
 ۳۳. مزینانی، علی (۱۳۸۵). «فهرست‌نویسی پیش از انتشار». **دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی**، ج ۲، ص. ۱۲۵۴-۱۲۵۵؛
 ۳۴. ملک‌زاده، مهدی (۱۳۷۱). **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: علمی**؛
 ۳۵. موسوی، محمدمهدی (۱۳۶۷). **یادداشت‌های احتشام السلطنه**. تهران: زوار؛
 ۳۶. مهدی بیانی به اداره کل انطباعات. نامه اداری. مورخ ۱۸ اسفند ۱۳۱۶؛
 ۳۷. نجفی، عبدالله (۱۳۷۵). «بررسی وضعیت کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و آرایه راه‌حل برای دست یافتن به وضع مطلوب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی؛
 ۳۸. نظامنامه اساسی اداره انطباعات وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سند شماره ۳۳۲۶۶، مورخ ۱۳۱۲/۱۱/۹.
 ۳۹. «نظامنامه کتابخانه ملی». (۱۳۲۴ق.). روزنامه تربیت، ش ۴۲۴ (۴ ذی‌العده): ۲۳۰۹-۲۳۱۲؛
 ۴۰. «همان» ش ۴۲۵ (۱۱ ذی‌العده): ۲۳۱۳-۲۳۲۰؛
 ۴۱. هاشم‌پور، مرتضی (۱۳۸۳). شصت و هفتمین سالگرد تأسیس کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. تهران: کتابخانه ملی، حوزه ریاست، روابط عمومی و امور بین‌الملل (جزوه)؛
 ۴۲. وزارت پست و تلگراف و تلفن به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اداره معارف، دایرة انطباعات، نامه اداری، مورخ ۱۳۱۲/۸/۴.
 ۴۳. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به ریاست دفتر شاهنشاهی، نامه اداری، مورخ ۷ شهریور ۱۳۱۶.
 ۴۴. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، دبیرخانه شورای عالی معارف به اداره انطباعات. نامه اداری، مورخ ۲۷ شهریور ۱۳۱۶.
 ۴۵. وزارت فرهنگ، اداره امور فنی. بخشنامه مورخ ۱۳۲۹/۱۰/۲۱.